

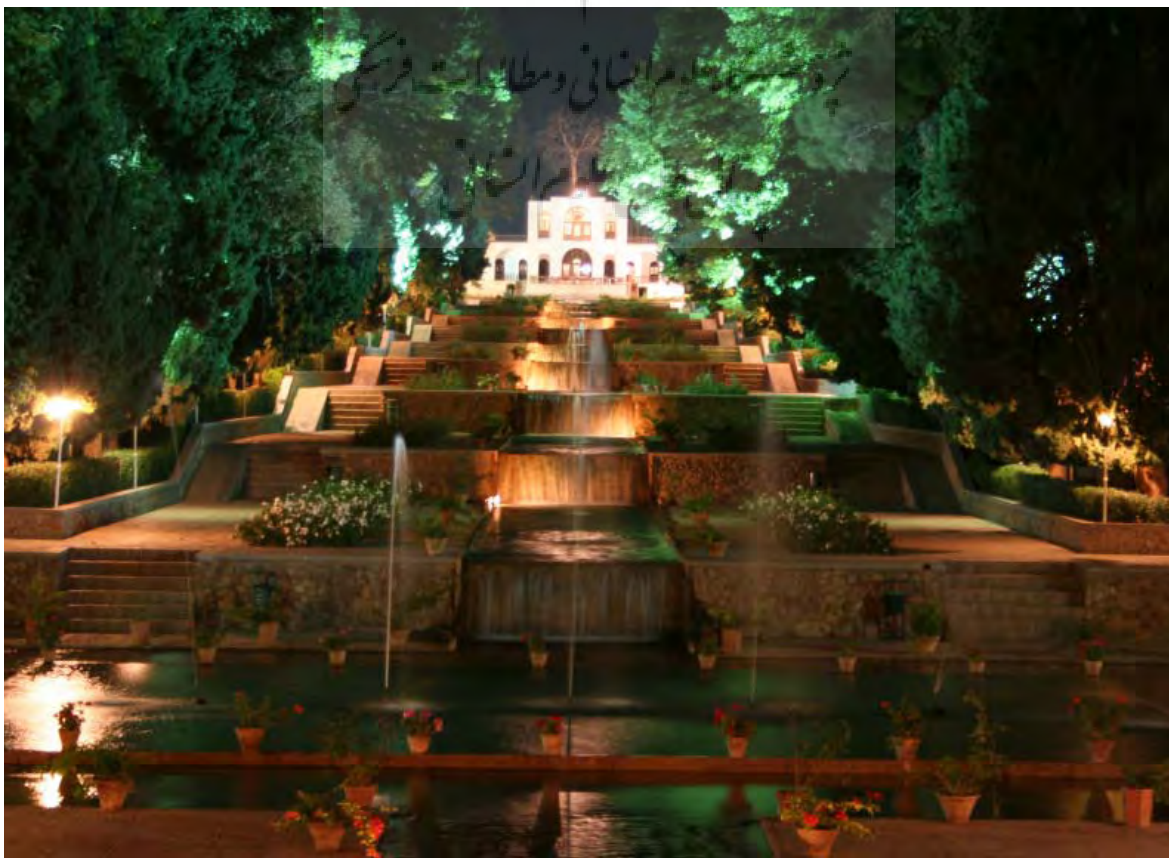
شکل‌گیری فرم چلیپایی باغ بر اساس مفاهیم نمادین

شیرکومحمدی

چکیده

اقلیم گرم و خشک ایران و همچنین خاستگاه اولیه ی اقوام آریایی، باعث شده که باغ در ایران همیشه مکانی مقدس به حساب آید؛ در نتیجه طرحی بر اساس تفکرات مقدس را نیز طلب می نموده است. مفاهیم پنهانی که در طراحی باغ ایرانی نقش داشته‌اند شامل عالم هستی و اعتقاد به چهار بخشی شدن آن توسط چهار رود، درخت زندگی و قرار گیری آن در ناف جهان، بهشت وعده داده شده و اشاره به خارج شدن چهار رود از باغ عدن در روز ازل است. همچنین توجه به این نکته نیز لازم است که باغ در ایران اغلب جایگاهی برای شاهان و حاکمان بوده است. تأثیر عوامل ذکر شده در شکل‌گیری فرم چلیپایی به این صورت است که شاه، نظمی جهانی را برای جایگاه خود برمی‌گزیند تا بدین وسیله حاکمیت خود را به همه نشان دهد. به همین دلیل نظمی جهانی را انتخاب و آن را به چهار قسمت تقسیم می‌کند. باور به اسطوره ی درخت زندگی، باعث انتقال کوشک به مرکز باغ شده و مفهومی از مرکزیت و همچنین ارتباط با آسمان را در طرح باغ منعکس می‌کند. ایجاد مکانی شبیه به بهشت نیز همیشه در ذهن انسان وجود داشته، که این ذهنیت در ایران با ساخت باغ تحقق پیدا کرده است.

کلید واژگان: باغ ایرانی، چهار باغ، چلیپا، مفاهیم پنهان، اسطوره



باغ شاهزاده ماهان کرمان

مقدمه

در ایران مردم به علت گرمای سخت و طاقت فرسا همیشه به گل و گیاه علاقه نشان داده اند و تلاش کرده اند که محیطی سرسبز را به وجود آورند. باغ در ایران معمولاً توسط دو محور مستقیم عمود بر هم، به چهار بخش تقسیم می شود و فرمی چلیپایی را به وجود می آورد. درباره ی چهارباغ مطالعات گسترده ای انجام گرفته است، مثلاً دونالد ویلبر در کتابش، باغ های ایرانی را از لحاظ تاریخی بحث کرده و به توصیف کالبدی و ویژگی های هر کدام پرداخته است یا رمز و رازهای باغ در مقاله های مختلفی مطرح شده است، اما مفاهیم پنهان موجود در باغ ایرانی و تأثیر آن بر شکل فرم صلیبی در هیچ کدام به طور کامل گزارش نشده است. به همین دلیل در این پژوهش سعی گردیده که به سؤالی با این مضمون جواب داده شود: مفاهیم پنهان موجود در باغ ایرانی چیست و چگونه فرم چلیپایی باغ بر اساس آن شکل گرفته است؟ برای دست یابی به پاسخ، نخست دلایل ساخت اولین چهار باغ ایرانی و باغ های ساخته شده ی هم زمان با آن را بررسی کرده، سپس مفاهیمی اسطوره ای که در تکامل فرم باغ به صورت دو محور عمود بر هم نقش داشته اند مطرح می شود.

واژه ی باغ

باغ از «بغ» به معنی خدا گرفته شده است. این کلمه نخستین بار در منابع مکتوب دوران سلجوقی برای اشاره به نوعی بوستان بزرگ با یک کوشک اصلی و کوشک های فرعی دیگر، به کار رفته است. در دوران باستان به جای واژه ی باغ از کلمه ی پردیس استفاده می شد که به معنای دیوار محصور است. واژه ی پردیس به معنای بهشت نیز استفاده شده است که در زبان عربی به فردوس و در زبان انگلیسی به پارادایز تبدیل شده است. خود واژه ی بهشت به معنای بهترین زندگی، به شکل باغی سرسبز و زیبا مجسم شده است (پیرنیا، ۱۳۷۳).

تعریف چهار باغ یا باغ ایرانی

در ایران باغ در محیطی مستطیل شکل با دیواری احاطه می گردد و توسط دو محور عمود بر هم تقسیم بندی می شود. این نظم ساده، فرمی چلیپایی را شکل می دهد که به عنوان ویژگی اصلی باغ های ایرانی شناخته می شود. محمد امین میرفندرسکی (۱۳۸۰) درباره ی چگونگی شکل گیری این فرم چنین نظر می دهد که باغ نشانه ی تلاش انسان برای به نظم درآوردن طبیعت و ساختی مصنوعی از آن است. آدمی در خلق محیطی مصنوع، آنچه را که در ذهن دارد و مفاهیمی را که می شناسد، تأثیر می دهد. در بیشتر نقاط ایران، اقلیم به گونه ای است که سرسبزی به خودی خود در اختیار

انسان نیست، اما عناصر تشکیل دهنده ی این سرسبزی یعنی آب، باد، خاک، خورشید (آتش) وجود دارد که نیاز به تصمیم و اقدام انسان دارد تا توأمآ آفریننده ی سرسبزی باشد. مشاهده ی طبیعت به ویژه تماشای آسمان و ستارگان و حرکت خورشید در انسان حس جهت (شرق، غرب، شمال، جنوب)، حرکت و زمان را القا کرده و او را به یک نظم ساده ی هندسی می رساند. انسان در این هنگام و در زمان ساخت یک مکان سعی می کند آنچه را که درک کرده است بیافریند. همچنین وی (۱۳۸۳) کالبد باغ و حالت های الهام دهنده ی آن را به این صورت تعریف می کند که باغ ایرانی دو شکل عینی (کالبدی) و ذهنی را هم زمان دارد. جنبه ی کالبدی، شکل و فرم را نشان می دهد. از این وجه باغ مکانی محصور است که شیبی ملایم جهت به جریان درآوردن آب دارد. همچنین دارای دو محور متقاطع عمود بر هم، کوشک یا استخری در محل رسیدن محورها، سردر ورودی و کوشک های فرعی دیگر است. شکل ذهنی یا روحی در حقیقت تأثیر مستقیمی است که فضا یا مکان ساخته شده بر روی اندام های حسی می گذارد و درکی است که از این فرآیند حاصل می شود. دو شکل عینی و ذهنی ممکن است بر مبنای عوامل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی بر هم اثر کرده و در یک جهت عمل کند یا به عبارتی دیگر به وحدت برسند، در این هنگام فضا دارای مفهوم های ناشناخته و حالت های الهام دهنده می شود. فضای باغ هم زمان جسم و روح را در خود دارد.

بررسی اولین چهار باغ

برای یافتن مفاهیم موجود در فرم چلیپایی باغ و درک بهتر ریشه های آن لازم است که نخست علل ساخت اولین چهار باغ را بررسی کنیم. طبق یافته های باستان شناسی اولین باغی که با فرم چهار باغ در ایران شکل گرفته، باغ پاسارگاد است که توسط کوروش ساخته شد. هر چند طرح چهار باغ، توسط کوروش برای پاسارگاد انتخاب شد ولی این طرح از سوی داریوش مورد استقبال قرار نگرفت؛ چنان که پردیس تخت جمشید هیچ شباهتی به فرم باغ ایرانی ندارد. دیوید استروناخ (۱۳۷۰) در این باره می گوید: «داریوش اول از شجره ی مستقیم کوروش نبود، او نه تنها گونه ی جدیدی از آرامگاه های سلطنتی و تالار بار عام را ابداع کرد، بلکه به نظر می رسد نوع دیگری از باغ را ترجیح می داد که با طرح باغ های پاسارگاد تفاوت داشت. برای مثال منطقه ی فرضی در شرق کاخ داریوش در تخت جمشید دارای نمایی مصطبه ای بود، این امر حاکی از آن است که داریوش تا حدی به الگوهای متنوع که از جهان آشوری - بابلی نشأت گرفته بود توجه داشت.» این موضوع تأثیر پذیری باغ های دوران هخامنشی را از

تمدن های بین النهرین نشان می دهد. با این اوصاف بهتر است قبل از مطالعه ی علل ساخت پردیس پاسارگاد با فرم چهارباغ در ابتدا تاریخچه ای مختصر از باغ های بین النهرین و انگیزه ی ساخت آنها را بررسی کنیم.

الف: علل ساخت باغ های بین النهرین

تاریخ دقیق شروع باغ سازی یا کشاورزی در بین النهرین معلوم نیست. مدارکی از چغامی در عراق- در نزدیکی مرز ایران، عراق و غربی ترین کوهپایه های زاگرس مرکزی- مربوط به نیمه ی هزاره ی ششم ق.م به دست آمده، که بیانگر پیشینه ی آبیاری مزارع کشاورزی در کوه های زاگرس است. (استروناخ، ۱۳۷۰) ساخت باغ دلایل مختلفی می-تواند داشته باشد. در باغ های بین النهرین نیز وضعیت چنین است، اما اغلب می توان هدف و انگیزه ای خاص را از بقیه متمایز کرد. مثلاً دلایل اصلی ساخت چند مورد از باغ های قبل از پاسارگاد به شرح ذیل است:

حاکم لاگاش (گودا) در اواخر هزاره ی سوم ق.م تا کاستان ها و حوضچه هایی را برای پرورش ماهی ایجاد کرده بود.

- متون اساطیری و مذهبی سومریان اشاره به باغ هایی در کنار معابد می کند که برای ایزدان خود می ساختند. آنها تصور می کردند که خدایانشان بی میل نیستند در آلاچیق هایی که برایشان مهیا شده است به تفریح بپردازند.

در زمان تیگلت پیله سر اول (۱۰۷۷-۱۱۱۵) توجه به باغ های میوه حاکی از آن است که سود دهی باغ ها و درختان بر زیبایی آنها ارجحیت داشته است.

باغ آشور نصیر اپلی در حین سودمندی جنبه ی کاملاً آزمایشی داشته است.

در دوره هایی باغ به عنوان ویژگی زیبایی بخش شهر مطرح بود، مانند اورشلیم در اوایل هزاره ی اول.

باغ برای نشان دادن قدرت شاه به کار می رفت مانند باغ های معلق بابل.

آنچه در مورد باغ های آشور نو وجود دارد:

- ۱- به کار بردن باغ به عنوان نمادی از شخصیت والای سلطنتی
- ۲- ایجاد باغچه هایی کوچک درون محوطه ی کاخ و معابد (استروناخ، ۱۳۷۰)

ب: مفاهیم موجود در پاسارگاد

۱- نظمی که نشان از عالم هستی دارد و برای بیان قدرت شاه به کار می رود.

آنچه از بررسی باغ سازی در بین النهرین به دست آمد نشان می دهد که از باغ های ساخته شده در زمان نزدیک به هخامنشیان، برای نشان دادن قدرت سیاسی کشور استفاده می شد، به عبارتی

دیگر فضا را به گونه ای طراحی می-کردند که در آن به کشورهای تابعه و خراج گزاران مراجعه کنند، بفهمانند که توسط حاکمی قدرتمند اداره می شوند. با توجه به تأثیر پذیری هخامنشیان از بین النهرین و همچنین توجه به این نکته که پاسارگاد کاخ-باغی حکومتی بود می توان یکی از دلایل ساخت پاسارگاد را نشان دادن قدرت سیاسی هخامنشیان ذکر کرد. اما چگونه می توان چنین مفهومی را به مراجعه کنندگان کشورهای تابعه منعکس کرد؟ در آن زمان اندیشه ای در مورد عالم هستی وجود داشت که بر طبق آن جهان به چهار قسمت تقسیم می شد. این تفکر می تواند طراح را به سمت نظمی ساده راهنمایی کند و آن را در معماری باغ به تصویر بکشد تا به طور نمادین بیان کند که شاه حاکم کل جهان است. به بیانی دیگر کوروش با تقسیم باغ به چهار قسمت، نظمی جهانی را به تصویر می کشد و این در حالی است که فرمانروای این جهان ساخته شده در زیر آسمان الهی کسی نیست جز پادشاه.

۲- ایجاد ارتباط بین باغ و کاخ

هنگامی که کوروش به سلطنت می رسد به تأثیر از باغ های بین النهرین کاخ-باغی را که بیانگر قدرت هخامنشیان باشد در پاسارگاد به وجود آورد. باغ های آشور، یا مجزا از کاخ و معبد طراحی می گردید یا پیوسته با آن ها ساخته می شد. باغ کوروش، با توجه به ایوان های طویل موجود در کاخ های پیرامون محوطه ی باغ، به عنوان بخشی هماهنگ و مکمل با کاخ بنا گشته است. ترکیب کلی متشکل است از سه کوشک، با ایوان هایی کشیده، در پیرامون یک محوطه ی مستطیلی شکل که از لحاظ دید و منظر مشرف به این ناحیه است. ممکن است پرسیده شود که آیا ایجاد ارتباط بین باغ و کاخ تأثیری در ساخت آن با فرم چلیپایی دارد؟

در یافته های تاریخی و باستان شناسی نشان داده شده است که منشأ باغ هایی منظم با خیابان های درخت کاری شده به خیلی پیش تر یعنی به سنت های ایلام، آشوری، مصری، بابلی بر می گردد. همچنین دیوید استروناخ باغ پاسارگاد را به عنوان چهار باغی تکامل نیافته معرفی می کند. همچنین از کاخ های اطراف و نامتقارن بودن آن ها نسبت به محوطه ی باغ می توان فهمید که هنوز تکامل نیافته است.

فرض کنید که اولین چهار باغ باشد و ترکیبی از کاخ ها و یک محوطه ی مستطیل شکل به صورتی که بیان شد برای طراحی باغ موجود باشد؛ حال خواسته شود آن به گونه ای طراحی گردد تا کسی که در ایوان کاخ به تماشای باغ ایستاده، از دور دست ترین نقطه ی باغ منظری داشته باشد تا کششی بین باغ و کاخ ایجاد

شود و بالعکس، ممکن است ایجاد معبری که در کل باغ امتداد دارد بتواند این خواسته را برآورده سازد. به عبارتی دیگر فرمی با دو محور متقاطع که هر محور در برابر ایوان کاخ کشیده می شود و دید را به دور دست ها و افق می برد می تواند کشش و جاذبه ی زیادی را ایجاد کند. این جاذبه هم برای کسی که در باغ واقع است و به سمت کاخ حرکت می کند و هم برای کسی که در ایوان کاخ قرار دارد و باغ را مشاهده می کند، وجود دارد. اما این قضیه تنها در مورد یکی از کاخ-ها صادق است و کاخ های دیگر دقیقاً در برابر محورهای متقاطع قرار ندارد، به همین دلیل تنها ایجاد کشش و رابطه بین باغ و کاخ در پاسارگاد نمی تواند دلیل محکمی برای رسیدن به فرم صلیبی باغ باشد؛ هر چند که شاید بتوان آن را در دوران های بعد به عنوان یکی از دلایل رسیدن به فرم صلیبی مطرح کرد.

۳- باغ، تداعی کننده ی بهشت

در ایران گل و گیاه و سبزه همیشه برای مردم جاذبه ی خاصی دارد. دلایل آن را می توان به صورت زیر فرض کرد:

- اقلیم گرم و خشک و گرمای سوزان آفتاب و همچنین خاطره ی بد کویر و بیابان های خشک باعث ایجاد این علاقه شده است. وضعیت اقلیمی این منطقه، آن چنان جلوه ی بدی در ذهن ایرانیان ایجاد کرده، که کویر را جای دیوان و ددان دانسته، در مقابل، بهشت را همیشه باغی سرسبز و خرم تصور کرده اند. به همین دلیل باغ در ایران محیطی مقدس و قابل احترام است.

- خاستگاه آریایی ها را می توان دلیل دوم دانست. مکانی را که از آنجا کوچ کرده اند جایی سرد سیر و پر از گیاه و درخت بوده، به همین علت بعد از وارد شدن آریایی ها به ایران، فضایی که می توانست خاستگاه شان را برایشان یادآوری کند باغ بوده است.

علاقه ی زیاد ایرانیان به گل و گیاه باعث شد که علی رغم درونگرایی اکثر بناهای این سرزمین، کوشک را در ارتباط با محیط پیرامونش یعنی باغ ایجاد کنند. تأثیر این علاقه را نه تنها در باغ بلکه در اکثر تزیینات معماری و همچنین در سایر هنرها از قبیل فرش، شعر و ادبیات و نظایر آن می توان مشاهده کرد.

داراب دیبا در مقاله ی باغ ایرانی این سؤال را مطرح می کند که آیا این سه کاخ یاد شده در پاسارگاد را نمی توان به عنوان تمثیلی از اعتقادات مزدیسنی در مورد سه سرای بهشت فرض کرد؟ این فرضیه در حقیقت بیانگر این است که کاخ-باغ پاسارگاد به گونه ای طراحی گشته که باغ و کاخ های اطراف آن بتواند بهشت را تداعی کند. پس اسطوره ی باغ-بهشت را نیز می توان یکی از الگوهای تشکیل دهنده ی باغ پاسارگاد دانست.

همانطوری که اشاره شد ایرانیان عالم هستی را چهار قسمت فرض می کردند که توسط چهار رود از هم جدا می شود. همچنین بررسی شد که در پاسارگاد باغ نمادی از قدرت والای سلطنتی است. در واقع هر چند داریوش بعد از به سلطنت رسیدن باغ هایی متفاوت با باغ پاسارگاد به وجود آورد، ولی کاخ-باغی که کوروش ساخت تا چندین نسل بعد از کوروش محفوظ ماند و این امر امکان آن را به وجود آورده بود که این طرح ابداعی در تمامی قلمرو هخامنشی در خاطره ها بماند (استروناخ، ۱۳۷۰) و شاهد این هستیم که در دوران های بعد این طرح در ساخت باغ تکرار گردیده و یکی از ویژگی های باغ های ایرانی می شود. در دوره ی اسلامی چهارباغ مشخصه ی باغ های اسلامی می شود که نه تنها در ایران، بلکه در کل قلمروی امپراطوری اسلام، گسترش می یابد. به طور خلاصه مفاهیمی را که در شکل گیری باغ پاسارگاد با فرم چهارباغ موثر است می توان چنین بیان کرد:

- نظمی که نشان از عالم هستی دارد.

- نظمی که بیان کننده ی قدرت شاه است.

- نظمی که تداعی کننده ی بهشت است.

بررسی اسطوره ها و انعکاس آن در طرح باغ ایرانی

- اسطوره ی جهان چهار گوشه

اندیشه ای در مورد جهان در ایران کهن وجود داشت که بر پایه ی آن جهان به چهار بخش تقسیم می شد و چهار رود بزرگ این بخش ها را از هم جدا می کرد. در برخی روایت های کیهان شناسی فرض کرده اند، در مکانی که این چهار رود به هم می رسند کوهی قرار دارد. مرکز عالم را منطبق با این کوه می دانند. در فصل آفرینش کتاب مقدس آمده است: «خداوند خالق، باغ را در مشرق زمین، در سرزمین عدن مقرر فرمود و انسانی را که پدید آورده بود در آن جای داد. آن گاه از خاک، هرگونه درختی را پدید آورد که حیاتی زیبا و میوه های شیرین داشتند. درخت زندگی را در میان باغ عدن قرار داد و درخت شناخت و رستگاری و تیره روزی را از پس آن. از خاک عدن رودی برخاست که باغ را آبیاری می کرد. از آن نقطه بود که رود به چهار قسمت تقسیم شد تا چهار آب راه به وجود آید.» (بهار، ۱۳۸۶، ۱۲۴)

در باغ اندیشه، عالم هستی، به صورت چهار نهری که در نقطه ای به هم می رسد تداعی می شود. ممکن است سؤالی مطرح شود که چرا این اندیشه در فرم باغ تأثیر می گذارد؟ در جواب می توان گفت که باغ ها در اکثر مواقع برای شاه یا اشخاص ثروتمند و دارای قدرت ساخته می شد. پس منطقی به نظر می رسد که شاه خود را حاکم جهان فرض کند. به همین جهت فضایی که می تواند

خواستگی شاه را نشان دهد فضایی چهار قسمتی به عنوان نمادی از عالم هستی است.

– اسطوره ی درخت زندگی

اگر سیر تحول باغ از پاسارگاد تا آخر حکومت ساسانی بررسی شود، مشاهده می کنیم که هر چند کاخ های پاسارگاد در اطراف محوطه ی باغ قرار داشت ولی در دوره ی ساسانی اکثر کوشک ها دقیقاً در محل تقاطع دو محور متقاطع ساخته شده بود. در این دوره چهار باغ به طور کامل نمادی از عالم هستی است. قرار گرفتن کوشک در وسط باغ، اصل دیگری را در معماری باغ مطرح می کند آن هم مرکزیت است. توجه به یک مرکز در اکثر بناهای معماری ایرانی رعایت شده است. اگر به معماری و سایر هنرهای ایرانی نگاه مختصری داشته باشیم، در خواهیم یافت که فرم یا الگوی چهار تایی که از دو محور متقاطع عمود بر هم تشکیل می شود، علاوه بر باغ در بسیاری از بناهای دیگر وجود دارد. مانند چهار طاقی، مسجد چهار ایوانی، کاروانسرای چهار ایوانی، خانه ی چهار صفا و نظایر آن. همچنین در اکثر بناهای ایرانی توجه به مرکز را داریم. به عبارتی دیگر مرکزیت یکی از مفاهیم پنهان در معماری سنتی است. نکته ی جالب آن است که در اکثر بناهایی که توجه به مرکز وجود دارد، در آن نقطه یک محور عمودی را می توان احساس کرد که دید را به سوی آسمان می کشاند. به فرض در مساجد چهار ایوانی در جایی که محور ایوان ها به هم می رسد معمولاً حوضی وجود دارد که شخص با نزدیک شدن به حوض و دیدن تصویر آسمان ناخود آگاه دیدش به سمت آسمان می رود. این پدیده در چهار طاقی به وسیله ی گنبد اتفاق می افتد. در باغ به وسیله استخر یا کوشک، بین زمین و آسمان اتصال برقرار می شود و محور قائمی که از آن صحبت شد ایجاد می شود. حال این سؤال پیش می آید که چرا کوشک در دوره ی ساسانی به مرکز منتقل می شود؟ این عقیده که عالم از مرکز خودش یا ناف عالم به وجود می آید، در بسیاری از فرهنگ های سنتی مورد پذیرش بوده است. معمولاً در این مرکز درخت یا ستون یا کوهی قرار دارد. در ایران نیز جایی از عالم هستی را که چهار رود به هم می رسد، ناف جهان یا مرکز جهان می دانند. معمولاً ناف جهان را منطبق با کوهی می دانند که بر روی آن درخت زندگی قرار دارد.

داستان سفر زرتشت به سوی نور الهی به این صورت است که «زرتشت در سن سی سالگی با گروهی از نزدیکانش به سوی ایران ویج به راه می افتد. به تدریج همراهانش او را ترک می کنند و تنها به رودخانه ای چهار شاخه می رسد، عریان می شود و از رودخانه می گذرد و سپس به قله ی کوه Hukairya می رسد.

این، قله ی آب های ازلی است. همان جایی که گیاه جاودانگی هوم (Hoama) می روید. مکانی پر از گل های وحشی و چشمه های جوشان. در این منظر عرفانی یشت های اوستا به او وحی می شود. «(باغ ایرانی، ۱۳۷۳، ص ۱۴)

همان طوری که گفته شد در مرکز جهان کوهی قرار دارد که درخت زندگی بر روی آن واقع است. نقش درخت در باور مردمان مشرق زمین به صورت نمادی از حیات ابدی و زندگی جاودانگی، نمایانگر خط رابط بین سه سطح جهانی است. این سه سطح شامل بهشت در آسمان، دنیای بشر در روی زمین و دنیای زیرین است. عقیده بر این بوده که این سه سطح با محور عمودی بزرگی که از مرکز آن ها گذشته به هم متصل می شود. این اسطوره در باغ به این ترتیب مطرح می گردد که عالم هستی که توسط چهار رود تقسیم می شود به صورت چهار نهر که در مرکزی به هم می رسد در معماری باغ تداعی شده است که خود در پلان باغ به صورت فرم چلیپایی یا صلیبی دیده می شود. در مرکز عالم که کوهی با درخت زندگی قرار دارد، در باغ به صورت کوشکی به تصویر در می آید که نمادی از درخت زندگی است. به عبارتی دیگر، کوشک، زمین و آسمان را به هم وصل می کند و شاه که در آن قرار دارد خود را واسط بین زمین و آسمان می داند.

– اسطوره درخت همه تخمه

در مورد آفرینش گیاهان و درختان در کتاب پژوهشی در اساطیر ایرانی آمده است: «چون چهارم بر گیاه آمد به مقابله ی او همان گیاه بکوشید. چون آن گیاه بخشکید، امر داد که او را گیاه نشان گیتی است (وی را) بر گرفت و او را خرد بکوفت و با آب آن تیشتری بارانی بیامیخت. پس از باران، همه زمین را رستنی ها آشکار شد. ده هزار نوع اصلی و یکصد هزار نوع به نوع چنان رستند که از هر گونه ای و آیینی (بود). او آن ده هزار نوع را به باز پس داشتن ده هزار بیماری آراست. پس از آن یکصد هزار نوع گیاه تخم بر گرفت. از گرد آمدن تخم (ها) درخت همه تخمه را میان دریای فراخگرد بیافرید که همه گونه (های) گیاهان از او همی رویند و سیمرخ آشیان بدو دارد. «(بهار، ۱۳۸۶، ۱۲۶) این اسطوره به نوعی دیگر در باغ های کهن چینی تکرار شده است. باغ کهن چینی به صورت استخری با نام «سپیده دم جاودان» که در وسط آن جزیره ای یا کوهی با نام «کوه خوشبختی» قرار دارد مجسم می شود. سطح این جزیره به وسیله ی درختان کاج به چهار قسمت تقسیم می شود که آن را نمادی از کاسه ی لاک-پشت که چهار گوشه است، می دانند. چینی ها اعتقاد دارند که لاک پشت اولین جانوری است که از آب بیرون آمده و توسط لاک خود به انسان آموزش داده است (ماسینیون، ۱۳۵۷).

انعکاس اسطوره‌ی درخت همه تخمه که در اقیانوس قرار دارد و بیان آن آمد، به این صورت در معماری باغ مطرح می‌گردد که کوشک را در وسط آب قرار دهیم، به این صورت به فرمی می‌رسیم که می‌توانیم آن را در باغ شاه گلی تبریز مشاهده کنیم. در این اسطوره‌ها نیز کوشک به عنوان نمادی از درخت مطرح می‌گردد و واسط بین زمین و آسمان می‌شود.

اسطوره‌ی باغ بهشت

آرزوی زندگی بهتر و برپا داشتن شهر آرزوها، همواره با انسان بوده است. بهشت به معنای بهترین زندگی بوده و در ایران به شکل باغی سرسبز تصور شده است. منشأ این آرزو را می‌توان به دلایل زیر مطرح کرد:

- ۱- آن را مربوط به روز ازل دانست و به رانده شدن انسان از بهشت اشاره کرد.
- ۲- اعتقاد به جهان بعد از مرگ و رفتن به بهترین مکان وعده داده شده یعنی بهشت.
- ۳- آب و هوای خشک و گرم ایران.

درباره‌ی میزان تأثیر بهشت بر فرم باغ می‌توان گفت چهار قسمت کردن باغ اشاره به خارج شدن چهار رود از باغ عدن که در روز ازل ساخته شده، دارد که به چهار گوشه‌ی عالم جاری می‌شوند. این اندیشه به اسطوره‌ی عالم هستی برمی‌گردد که بررسی گردید.

کتاب «اوستا» به رستگاران وعده داده است که در پایان سومین شب پس از مرگ شان، یکباره در میان انبوهی از گیاهان خوشبو چشم خواهند گشود و وزش نسیم نوازشگری را بر پوست تن خود احساس خواهند کرد که از جنوب یعنی از سوی بهشت می‌وزد. باغ بهشت با یک نور ازلی به نام (خورته) روشن است که همان روشنائی جاودان ایزدی است. «(فقیه، ۱۳۸۴) معماری باغ در اوستا به گونه‌ای نیست که بتوان از آن فرم چلیپایی باغ را الهام گرفت.

در دوره‌ی اسلامی و کتاب مقدس مسلمانان، باغ به نوعی دیگر توصیف می‌شود. قرآن به آبیاری بهشت، توسط چهار نهری که از آب، شیر، عسل و شراب است اشاره می‌کند (سوره‌ی واقعه، آیه ۲۲). هر چند خیلی سعی شده که معماری باغ و فرم صلیبی آن را مرتبط با این آیه بدانند، ولی ایراداتی را می‌توان به این نظریه‌ها گرفت. اول اینکه فرم صلیبی باغ قبل از ورود اسلام به ایران تکامل می‌یابد. حتی اگر مفهوم باستانی آن پس از ورود اسلام تغییر کرده باشد باز هم چهار باغ به قبل از اسلام برمی‌گردد و اندیشه‌ای دیگر و قدیمی تر داشته است. هر چند فرم صلیبی باغ در دوره‌ی اسلامی، خود را با فرهنگ جدید سازگار کرد اما نمی‌

توان تنها دلیل را این فرض کرد که چون در قرآن از چهار نهر بهشتی صحبت می‌شود، پس فرم چهار باغ الهام گرفته از این آیه است یا در ارتباط با آن شکل گرفته است. علاوه بر این، دلیل ادامه‌ی روند شکل چلیپایی در طراحی باغ را باید در مفاهیم پنهان موجود در آن بررسی کرد. مفاهیمی که در ادوار مختلف تاریخی زیر اساس نقشه‌ی معماری آن بوده است. ریشه‌ی مفاهیم مذکور که مربوط به رموز موجود در تصاویر ارایه شده برای عالم است، در دوره‌ی اسلامی نیز وجود دارد. بر همین اساس است که در دوره‌ی اسلامی نیز چهارباغ مورد پذیرش قرار می‌گیرد و ادامه پیدا می‌کند. اما اینکه چرا در دوره‌ی اسلامی موقعیت کوشک در باغ تغییر می‌کند و در انتها یا در دو- سوم محور اصلی باغ قرار می‌گیرد، می‌تواند به علت تغییر چگونگی بیان مفاهیم یا حتی به علت فراموشی این مفاهیم باشد.

دونالد ویلبر دلیل اصلی جاذبه‌ی بهشت و تصور آن به شکل باغ را گرمای سوزان و اقلیم گرم و خشک ایرانی بیان می‌کند. چنان که می‌گوید: «هنگام پیمودن جاده‌ی طویل بغداد- تهران در گرمای سوزان تابستان دانستم ... قهوه-خانه‌هایی ... دارای حوض آب و ... باغچه‌هایی معطر که نهر آبی در آن جریان داشت، بلافاصله تشبیه باغ به بهشت که ایرانیان مکرر به آن اشاره می‌کنند، در نظر من امری طبیعی جلوه کرد.» (ویلبر، ۱۳۸۴، ص ۱۲) واضح است که صرفاً اقلیم گرم و خشک ما را به شکل چلیپایی در باغ رهنمون نمی‌کند و تنها از این لحاظ می‌توان آن را با بهشت قیاس کرد که باغ در برابر بیابان‌های گرم و خشک مانند بهشت است. به طور کلی می‌توان گفت که علی‌رغم آن که بهشت در ایران به صورت باغی تصور می‌شود، از لحاظ فرمی نه در دوره‌ی باستانی و نه در دوره‌ی اسلامی، با شکل صلیبی توصیف نمی‌شود که بگوییم باغ از آن ملهم شده است؛ بلکه در حقیقت فضای باغ و حسی که انسان در آن درک می‌کند بهشت را تداعی می‌کند.

نتیجه‌گیری

اقلیم گرم و خشک و خاطره‌ی خاستگاه و سرزمین اصلی آریایی‌ها باعث می‌شود که باغ در ایران فضایی مقدس باشد. پس برای ساخت آن نیاز به تفکراتی مقدس است. باغ مکانی جهت سکونت شاهان یا حاکمان بود، که گاهی اوقات از آن جهت نمایش قدرت و سلطنت خود استفاده می‌کردند. اندیشه‌ی موجود درباره‌ی عالم هستی و تقسیم آن به چهار قسمت و همچنین درخت زندگی و قسار گیری آن بر روی کوهی در ناف جهان در ذهن ایرانیان وجود داشته است. فرآیند ترکیب عوامل ذکر شده روشن است. شاه که می‌خواهد خود را حاکم مردم و گاهی حاکم جهان نشان

۹. فقیه، نسرین، (۱۳۸۴)، «چهره‌ی باغ ایرانی»، www.es-nips.com، تاریخ دسترسی: ۸۸/۲/۲۵

۱۰. ماسینیون، لویی، (۱۳۵۷)، «ارزش فرهنگی آثار اندیشمندان ایرانی قرون وسطی در شکوفایی تمدن غرب»، ترجمه: محمد حسین رضوانیان، هنر و مردم، شماره‌ی ۱۸۹-۱۹۰

۱۱. انصاری، مجتبی - محمود نژاد، هادی، (۱۳۸۶)، «باغ ایرانی تمثیلی از بهشت»، هنرهای زیبا، شماره‌ی ۲۹، ص ۳۹-۴۸

۱۲. میرفندرسکی، محمد امین، (۱۳۷۸)، «باغ به مثابه‌ی پیشایند شهر»، مجموعه مقالات دومین کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی ایران، میراث فرهنگی کشور، جلد پنجم

۱۳. میرفندرسکی، محمد امین، (۱۳۸۰)، «باغ در مفهوم باغ»، فصلنامه‌ی هفت شهر، سال دوم، شماره‌ی ۳، ص ۴

۱۴. میرفندرسکی، محمد امین، (۱۳۸۳)، «باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی کجاست؟»، ماهنامه‌ی موزه‌ها، شماره‌ی ۴۱

۱۵. نوربرگ، کریستیان، (۱۳۸۶)، «معنا در معماری غرب»، ترجمه: مهرداد قیومی، فرهنگستان هنر، چاپ اول

۱۶. ویلبر، دونالد، (۱۳۸۵)، «باغ‌های ایران و کوشک‌های آن»، ترجمه: مهین دخت صبا، علمی - فرهنگی

دهد، نظمی جهانی را برمی‌گزیند و مانند عالم چهار قسمتی، باغ را با چهار نهر به چهار قسمت تقسیم می‌کند. کوشک که محل سکونت شاه نیز است، نمادی از ناف جهان می‌شود و در مرکز قرار می‌گیرد. کوشک مانند درخت زندگی که پیوند دهنده‌ی زمین و آسمان است، مرتبط کننده‌ی زمین و آسمان می‌شود. گاهی اوقات آب نما یا استخر باغ این نقش را به عهده می‌گیرد. شاه که در داخل کوشک سکونت دارد، رابط بین زمین و آسمان یا به عبارتی دیگر، رابطی میان مردم و ایزدان می‌شود. به این ترتیب باغ تبدیل به مکانی می‌شود که در آن نظمی مقدس و آسمانی تصویر شده است. همچنین مکانی برای تجلی بهشت نیز می‌باشد، اما برای تبلور این اندیشه فرم آن تحت تأثیر معماری رایج شده از بهشت قرار نمی‌گیرد، بلکه درک دریافتی از محیط باغ است که یاد آور بهشت می‌شود. مفاهیم پنهان در معماری باغ را در بسیاری از بناهای دیگر نیز می‌توان پیدا کرد که تبدیل به نقشه‌ای پنهان در زیر نقشه‌ی اصلی شده است. ریشه‌ی تمامی مفاهیم گفته شده را می‌توان به کشف رموز موجود در عالم و بیان هنرمندانه‌ی آن توسط معمار ایرانی بیان کرد. با توجه به یکسانی مفاهیم در معماری و سایر هنرهای دیگر پژوهشی تطبیقی بین آنها می‌تواند نکات مبهمی را آشکار کند که در درک بهتر مفاهیم نهفته‌ی باغ موثر باشد.

منابع

۱. ابوالقاسمی، لطیف، (۱۳۷۱)، «باغ»، تهران: سازمان پارک‌ها
۲. استروناخ، دیوید، (۱۳۷۰)، «شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایران»، ترجمه: کامیار عبدی، اثر، ش ۲۲ و ۲۳
۳. اصانلو، حسن، (۱۳۸۱)، «باغ‌های ایران و چهار باغ»، ساخت و ساز، شماره‌ی ۱۸
۴. «باغ ایرانی، حکمت کهن، منظر جدید»، (۱۳۷۳)، تهران، نشر موزه‌ی هنرهای معاصر
۵. بهار، مهرداد، (۱۳۶۱)، «پژوهشی در اساطیر ایران»، آگاه، چاپ ششم
۶. پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۸۲)، «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، دانشگاه علم و صنعت
۷. پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۷۳)، «باغ‌های ایران»، مجله آبادی، شماره‌ی ۱۵
۸. دبا، داراب - مجتبی، انصاری، (۱۳۷۴)، «باغ ایرانی»، مجموعه مقالات کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بم - کرمان، سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد دوم